



مقطع تحصیلی: کاردانی کارشناسی رشته: مترجمی همزمان انگلیسیترم:سال تحصیلی: ۱۳۹۸ - ۱۳۹۹
نام درس:اصول نگارش... نام و نام خانوادگی مدرس: حسین احمدی رضایی
آدرس email مدرس: hosseinahmadirezaee@yahoo.com...تلفن همراه مدرس:

جزوه درس:اصول نگارش..... مربوط به هفته : اول دوم سوم چهارم پنجم
text: دارد ندارد voice: دارد ندارد power point: دارد ندارد
تلفن همراه مدیر گروه :

ادامه راهکارهایی برای دستیابی به پیوستگی (انسجام) معنایی در پاراگراف انگلیسی

موازات

در بحث اصول نوشتن **writing** از قاعده موازات که شامل شکل دستوری مشابه برای کلمات ، عبارات ، بندها یا جملات در یک سری است استفاده کنید. قاعده موازات در پاراگراف انگلیسی با حرکت روان ایده ها به سمت جلو، انسجام ایجاد می کند.

برای درک بهتر به مثال زیر توجه کنید:

Words in series: I saw Ali, Mehran and Mahsa.

Phrases in series: I saw him going to gym and returning home.

Clauses in series: The telephone rang when I reached the restaurant but before I unpacked my baggage.

Sentences in series: Ali ate the cookie. It was the only cookie.

کلمات ربطی

کلمات ربطی کلمات یا عباراتی هستند که بین ایده ها ارتباط ویژه و منطقی برقرار می کنند. یک پاراگراف بدون این کلمات نامفهوم به نظر می رسد و فهم آن دشوار است.



شش وظیفه اصلی که این کلمات ایفا می کنند:

A. جمع زدن (addition)

- He shouted, and the infant woke up.

او فریاد زد و نوزاد بیدار شد.

- Paris has an excellent museum; besides it has a great opera.

پاریس یک موزه عالی دارد، بعلاوه یک اپرای عالی.

B. زمان (time)

- Ali brushed his teeth, and then he went to bed.

علی دندان هایش را مسواک زد و بعد از آن به رختخوابش رفت.

- First of all, I did my homework; then, I took a shower; finally, I went to the party.

اول از همه، تکالیفم را انجام دادم، بعدش دوش گرفتم؛ در نهایت به مهمانی رفتم.

C. توضیح و تشریح (illustration)

- I didn't mind at all; indeed, I was satisfied.

من اصلاً ناراحت نشدم؛ در واقع راضی بودم.

- Most of us want to leave now; Alex, for example, wants to go home.

اکثر ما الان می خواهیم اینجا را ترک کنیم. برای مثال، الکس می خواهد به خانه برود.



D. علت و معلول (cause and effect)

- I can't speak English very well; consequently, I didn't enjoy my trip to Australia.

من خیلی خوب نمی توانم انگلیسی صحبت کنم؛ در نتیجه از سفرم به استرالیا لذت نبردم.

- Our professor couldn't lecture for the entire hour, for he had a sore throat.

استاد ما نتوانست یک ساعت کامل را سخنرانی کند، به خاطر اینکه گلودرد داشت.

E. مقایسه و تضاد (comparison and contrast)

- I was too tired to wait, so I went to bed.

بیش از حد خسته بودم پس به رختخواب رفتم.

- A good student usually gets good grades; on the contrary, a poor student gets poor grades.

یک دانشجوی خوب معمولاً نمره خوبی می گیرد؛ بر خلافش، یک دانشجوی ضعیف نمره کمی می گیرد.

F. خلاصه (summary)

- I will tell you everything later; in short, the meeting was canceled.

بعدها همه چیز را بهت می گویم، خلاصه بگم، جلسه کنسل شده بود.

He couldn't understand me; therefore, I used a lot of gestures

او حرف مرا نمی فهمید؛ بنابراین، از خیلی از حرکات اشاره ای استفاده کردم.



G. ترتیب منطقی

منظور از ترتیب منطقی در نوشتن پاراگراف در انگلیسی یکی از این موارد است:

- بر اساس زمان رویداد؛ اینطور که عملی که اول از همه اتفاق افتاد اول می‌آید و به ترتیب و به دنبال آن بقیه رویدادها قرار می‌گیرند.
- از عبارات زیر استفاده می‌کنیم:

First, second, third...., next, after that, finally, etc.

- بر اساس مکان رویداد اینطور که بیان مطلب از یک جهت به جهت دیگر است مثلاً از چپ به راست، از راست به چپ، از بالا به پایین یا بالعکس است. اینطور نباشید که از جهتی به جهت دیگر از این موضوع پیروی نکند.
- از عبارات زیر استفاده می‌کنیم:

In, on, above, beneath, on the left, near, between, in the middle of, next to, in front of, etc.

- بر اساس اهمیت موضوع

برای بیان یک مطلب می‌توان بر اساس اهمیت آن از مهم‌ترین به سمت کم‌اهمیت‌ترین حرکت کنیم (descending order) یا می‌توان مطلب را از کم‌اهمیت‌ترین موضوع به سمت مهم‌ترین آن حرکت داد. (Ascending order).

- از عبارات زیر استفاده می‌کنیم:

.The most important, the least important, primary, chief reason, etc